

## بررسی تحلیلی حماسه در رمان کلیدر دولت آبادی

ابن علی کریمی گنجه دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم  
e.a.karimiganjeh@gmail.com

### چکیده

برخی پژوهشگران حوزه اسطوره و حماسه، یکی از بن مایه های بنیادین حماسه را، "ستیز ناسازها" دانسته اند که دو نماد ناساز یا دو جبهه حق و باطل، سرسختانه در برابر یکدیگر می ایستند و می ستیزند. ستیزه ها در رمان بلند کلیدر در سطوح و لایه های مختلف حوادث داستان نمودی عینی دارد که می توان آن را به انواع زیر تقسیم کرد: الف) ستیز انسانهای قصه با هم؛ ب) ستیز آدم های داستان با طبیعت بی رحم و ممسک؛ ج) و در نهایت مبارزه گل محمد و هم پیمانانش با عوامل سرکوبگر دولتی و فئودالها. در رمان کلیدر، انواع جدال ها در حوادث قصه، دیده می شود به گونه ای که در کل رمان، در چندین حادثه یکی از طرفین این جدال ها، به صورتی ناروا و غم انگیز به قتل می رسد و کدام دلیل محکم تر و استوار تر از این دلیل برای حماسی بودن این اثر داستانی! پژوهش پیش رو، جستار و کوششی است در بررسی تحلیلی انواع جدال ها در سراسر رمان کلیدر با شواهد متعددی که از رمان استخراج شده است. نگارنده، در نقد این نمونه ها، ویژگی های زبانی، ساختاری، محتوایی و درونمایه ای داستان ها را بصورت مصداقی و کاربردی تحلیل نموده است.

واژگان کلیدی: کلیدر، دولت آبادی، حماسه، زبان حماسی، تراژدی

### مقدمه

#### حماسه و تحول معنایی آن

حماسه واژه ای عربی است به معنی شدت و دلاوری که بعد ها، توسعه به شجاعت هم حماسه می گفتند. چرا که شجاع در نبرد با هم آورد خویش به شدت می کوشد. این واژه در اصطلاح بصورت زیر در فرهنگ ها تعریف شده است:

"حماسه (hamase): (از عربی، دلاوری) و یکی از انواع ادبی، و آن داستان هایی است غالباً به شعر (شعر یا منظومه های حماسی) در وصف پهلوانی ها، جنگ ها، مردانگی ها و افتخارات قومی، ملی و نژادی. (مصاحب، ۱۳۸۰ ص ۸۶۴)

دکتر عبدالحسین زرین کوب در کتاب "شعر بی دروغ و شعر بی نقاب" در تعریف قصه های رزمی چنین گوید: "قصه های رزمی، یادآور جنگ ها و دلاوری های گذشته اقوام است. یادگار جوش و خروش، تهاجمات و تدافعات تاریخی اقوام." (زرین کوب، ۲۵۳۶ ص ۱۲۳)

با گذشت زمان، حماسه نیز تحول معنایی پیدا کرده به گونه ای که: "هر چه از دوره ی حماسه های اولیه دور می شویم و به دوره ی حماسه های ثانویه و متاخر می رسیم...دیگر از آن دنیای پر رمز و راز اسطوره ها و جنبه های جادویی و ماورا طبیعی حماسه نشانی نمیابیم و آثار حماسی معاصر، اندک اندک تغییر محتوا داده و در ساختار خود از مکان، زمان و شخصیت های تاریخی و واقعی بهره جسته است بطوریکه، ویژگیهای حماسه کهن در این آثار، رنگ باخته و دنیای حماسه جدید، بادنیای حماسه کهن، بیگانه شده است." (نقل به مضمون، شیرینی، ۱۳۸۸ ص ۵۹)

با توجه به تعاریف فوق، مشخص است که منظومه های حماسی، فقط نمیتواند شعر باشد و یا افسانه های قدیمی بلکه مفاهیمی چون وصف دلاوری ها و پهلوانی ها، امور شگفت انگیز و غیر طبیعی، تحریک حس پهلوانی

عزت نفس و انتخاب واژگان و زبان فاخر حماسی، که مصادیق آن در رمان کلیدر به وفور دیده میشود؛ با وجود این، آیا میتوان رمان تاریخی و واقعی کلیدر را در زمره یک اثر حماسی قرار داد؟

### پیشینه پژوهش

درباره ی رمان کلیدر، مقالات و نقد های فراوانی به چاپ رسیده است که تعدادی از آن مقالات، در مورد حماسی بودن این اثر داستانی است و می تواند به عنوان پیشینه ی این پژوهش تلقی شود: مقاله ها: الف) عروج یک یاغی، محمدرضا قانون پرور، ایران نامه، سال هفتم، شماره دو، ۱۳۶۷؛ ب) کلیدر: تحول تدریجی از رمان به حماسه، حورایاوری، فصلنامه امید، دفتر سوم، ۱۳۶۷؛ ج) تراژدی عاشورایی و آفاق معنوی کلیدر، سید حمید نوحی، پیام هاجر، شماره ۳۱۱، ۱۳۷۹؛ د) نقد حماسه و تراژدی بر اساس کلیدر، قهرمان شیرینی، فصلنامه علمی و پژوهش کاوش نامه، سال دهم، ۱۳۸۸ شماره ۱۸؛ کتابها: الف) نقد آثار محمود دولت آبادی، عبد العلی دستغیب، نشر ایمان، ۱۳۷۸، بخش ارتقا فرد عشیره ای به سردار نبرد روستایی؛ ب) بیست سال با کلیدر، گردآورنده: عباس شیرمحمدی، تهران، نشر کوچک، ۱۳۸۰؛ ج) مقایسه زبان حماسی و غنایی با تکیه بر خسرو و شیرین و اسکندرنامه نظامی، زهرا پارسا پور، چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳

### پیش فرضیه و پرسش های پژوهش

اگر به عنوان پیش فرضیه این پژوهش بپذیریم که: "کلیدر، رمانی است که آدم هایش، دارای واقعیت اجتماعی و سرنوشت تاریخی اند." (شیرمحمدی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۹) و بیشتر شخصیت ها و عناصر داستانی آن در عالم واقع، وجود خارجی دارند. با توجه به این فرضیه:

- ۱) آیا میتوان این رمان را یک اثر حماسی معاصر دانست؟
  - ۲) اگر پرسش پژوهش مثبت باشد؛ در آن صورت، نشانه های حماسی این رمان، از نظر زبانی، ساختاری، محتوایی و درون مایه ای کدامند؟
- در این جستار برآنیم که پاسخ پرسش های پژوهش را با آوردن شواهدی از رمان و نقد و تحلیل آن برکاویم و جزئیات ویژگی های حماسی رمان را توضیح دهیم. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید!

### کلیدر دولت آبادی چگونه رمانی است؟

اگرچه تعدادی از منتقدان رمان کلیدر، این رمان را تاریخی، مستند، اجتماعی، سیاسی، واقع گرا و رئالیسم میدانند؛ که بیشتر عناصر داستانی آن در عالم واقع، ما به ازای آن وجود دارد. (۱) اما علاوه بر موارد فوق، رمان دارای حوادث متعددی است که همگی ان دلالت بر ستیزه و جدال سرسختانه بین آدم های داستان دارد و این خود نشان گر حماسه بودن این اثر داستانی است.

در تایید حماسه بودن رویداد های این رمان، یکی از منتقدان گوید: "رمان کلیدر، یک رمان عظیم روستایی است، قصه ی مبارزه مردان و زنان با طبیعت و با یکدیگر. این داستان بلند، از نظر زبانی، نوعی "رمان حماسی" تلقی میشود." (سپانلو، ۱۳۶۶ ص ۲۸۳)

در سراسر روایت های این رمان، نشانه هایی از حماسه و مبارزه دیده میشود این نشانه ها هم در آغاز رمان (صفحه اول) و هم در پایان آن که حماسه مبارزات گل محمد و یارانش به تراژدی تبدیل می گردد؛ به وضوح دیده میشود. ویژگی های حماسی رمان، فقط به آغاز و پایانش ختم نمی شود؛ بلکه در سیر طولی روایات، صحنه های ناب، توصیف های درخشان و رویداد های حماسی به فراوانی دیده می شود به سخن دیگر، تمام این رویداد ها، زمینه و مقدمه ای است برای بوجود آمدن اوج داستان که در پایان به شهادت دلاورانه گل محمد و یارانش می

انجامد و سرانجام حماسه ی تاریخی داستان کردان طایفه کلمیشی ها در منطقه خراسان به پایانی خوش و در عین حال تراژیک ختم میگردد.

- برخی از محققان ، بن مایه بنیادین حماسه را ، "ستیزناسازها" میدانند . (کرازی، ۱۳۷۰ص ۱۴)
- در رمان کلیدر در سطوح و لایه های مختلف رویداد های آن ستیز ناسازها جلوه ای آشکار و پنهان دارد.
- \*ستیز انسان ها ی قصه با هم ؛
- \*ستیز آدمهای داستان با طبیعت بی رحم و ممسک؛
- \*و در نهایت ستیز گل محمد و هم پیمانانش با دولتیان و اربابان محلی.

### دیدگاه منتقدان درباره ی حماسی بودن رمان

اگر بخواهیم به دیدگاه منتقدانی بپردازیم که اختصاصا در مورد حماسی بودن کلیدر نظراتی را ارائه داده اند می توانیم آنها را به دو گروه زیر تقسیم کنیم:

**الف) منتقدانی که اشاره وار این اثر داستانی را ، رمان حماسی دانسته اند:** ازین گروه می توان از بزرگانی چون مهدی اخوان ثالث ، محمد علی سپانلو ، احسان یارشاطر ، بزرگ علوی و عبدالعلی دستغیب نام برد. اخوان ثالث شاعر نوپرداز از کلیدر بوی تولستوی را میشنود و بزرگ علوی داستان نویس معروف با خواندن آن به یاد جنگ و صلح تولستوی می افتد و عبدالعلی دستغیب کلیدر را یک رمان اجتماعی\_سیاسی و به ویژه حماسی میدانند . (شیرمحمدی ۱۳۸۰ ص ۲۰۷ و ۳۶۵)

این که تعدادی از منتقدان ، کلیدر را در کنار رمان تاریخی جنگ و صلح تولستوی نویسنده ی بزرگ روس قرار می دهند ؛ به دو دلیل می تواند باشد :

۱) رمان جنگ و صلح نیز یک رمان تاریخی است که وقایع جنگ ناپلئون با کشور روسیه را روایت می کند با وجود این که روسیه در این جنگ شکست می خورد ولی تولستوی به سبب عشق به وطن و جنگجویانش طوری وقایع آن را روایت می کند که گویی سربازان روس فاتح و پیروز میدان جنگ بوده اند!

۲) وجه غالب درونمایه هر دو رمان ژانر ادبی حماسه می باشد . دولت آبادی در مورد این رمان گوید : " تولستوی با خلق و نشر آن اثر ، بار دیگر ناپلئون را در مقابل ملتی بزرگ به زانو درآورد . " (امیرحسین چهل تن - فریدون فریاد، ۱۳۷۳ ص ۲۶)

### ب) منتقدانی که در مورد حماسی بودن کلیدر ، نقد و ارای تحلیلی داشته اند:

۱) محمدرضا قانون پرور در مقاله ی عروج یک یاغی: این منتقد در مورد حماسی بودن رمان کلیدر مطالبی را طرح کرده است و رمان را شکل نو حماسه دانسته است و می گوید : " به نظر میرسد که دولت آبادی از ابتدای داستان ، عمدا ذهن خواننده را به سوی قهرمانی بودن داستان و به گونه ای رنگ آمیزی حماسی کلیدر می کشاند و در آغاز رمان با وصف درویش نقالی که برای تماشاگران معرکه گرفته است توجه خوانندگان را از قصه های کهن حماسی به داستان حماسه واری که شروع کرده است معطوف می دارد . " (شیرمحمدی ، ۱۳۸۰ ص ۱۳۷ )

منتقد گرامی در بخش دیگری از مقاله ، گل محمد قهرمان رمان و قره آت اسب یکه شناس او را با رستم و رخس در شاهنامه فردوسی مقایسه می کند و نیز در پایان رمان ، به قهرمان داستان رنگ مذهبی می دهد و قیام او را با قیام امام حسین (ع) در کربلا می سنجد.

۲) حورا یآوری در مقاله ی کلیدر : تحول تدریجی از رمان به حماسه

نویسنده مقاله بر این باور است که " دولت آبادی در کلیدر عناصری از دو فرم مشخص ادبی رمان و حماسه را با هم ترکیب کرده است و توانسته است ؛ دگرگونی و تحول تدریجی در شخصیت های داستان را از " من " شخصی به " مای " جمعی ایجاد نماید. " (شیرمحمدی ۱۳۸۰ ص ۱۵۵)

مرحله ی "من" شخصی قهرمان قصه ، زمانی است که هنوز چهره اجتماعی شخصیت داستانی بروز و ظهور نکرده است ولی وقتی به مرحله جمعی "ما"یی ارتقا و تحول می یابد قهرمان داستان همه چیزش را در راه هدف مقدس و مبارزه با ظلم و ستم و دفاع از حقوق زحمت کشان فدا می کند و در پایان به شهادت می رسد.

۳) سید حمید نوحی در مقاله ی تراژدی عاشورایی و آفاق معنوی کلیدر

نویسنده مقاله پایان مبارزه گل محمد و یارانش را در برابر عوامل ظلم و ستم به قیام امام حسین (ع) و یارانش علیه حکومت یزیدیان مانند می کند و براین باور است که: "در برگ برگ کلیدر ، می توان اشعار حسینی را از نو خواند که : من مرگ را جز رستگاری و زندگی با ظالمین را جز ننگ نمی بینم ." (شیرمحمدی ۱۳۸۰ ص ۴۰۴).

### دیدگاه دولت آبادی

دولت آبادی در گفت و گو هایی که با دیگران داشته و نیز در نوشته های خود به حماسی بودن زبان و ساختار رمان کلیدر اشاره دارد: "اگر اینجور بگوییم که من برای نوشتن کلیدر شخصا به فردوسی مراجعه کرده ام درست نیست اما بدون شک ، روح کلام ، تاثیر حماسی اش را در من به جا گذاشته است ... و نگاه من به کلام در کلیدر وجه حماسی دارد . چرا که اراده کرده ام که اندام خسته و نیمه خمیده انسان ایرانی را ایستاده و به قامت بینم و بنگرم ." (امیرحسین چهل تن \_فریدون فریاد ، ۱۳۷۳ صص ۲۷۹-۲۸۰)

هم او در جای دیگر درباره ی تولد زبان جدید ( زبان حماسی) همزمان با نوشتن رمان کلیدر می گوید: "من با کلیدر یک بار دیگر متولد شده ام در ادبیات خودم . این هست که آن زبان هم با من متولد شده است... شاید حس کرده بودم که برای بیان حماسی قهرمان کلیدر ، آن زبان پیشین کفایت نمی کند بنابراین قهرمان ها در جریان جذب تمام تخیل من به سوی خود زبان خودشان را در من آفریدند ." (شیرمحمدی ، ۱۳۸۰ صص ۴۴۲-۴۴۳)

### ویژگی های حماسی رمان کلیدر

اگر بخواهیم ویژگی های حماسی رمان کلیدر را برشماریم و تحلیل کنیم ؛ می بایست اولاً مشخصات زبانی و واژگانی آن را ، با گزینش و انتخاب شواهدی از رمان توضیح دهیم و ثانیاً ویژگیهای محتوایی ، و درون مایه ای و ساختاری آن را پس از استخراج گزیده هایی از رمان ، تفسیر نماییم . ویژگی های حماسی هر اثر ادبی به دو بخش زیر تقسیم می شود :

#### زبان و واژگان حماسی

یکی از راه های شناخت ژانر های ادبی هر اثر، آشنایی و آگاهی به زبان آن اثر است. چرا که هر ژانر ادبی ، واژگان و زبان خاص خود را دارد. مثلاً زبان و واژگان یک اثر حماسی که حس خشونت را به خواننده منتقل می سازد با زبان و کلمات غنایی که حس عشق و محبت را القا میکند تفاوت و تمایز برجسته ای دارد.

تمایز گونه های ادبی یک اثر به گزینش کلمات درست و مناسب هر گونه ادبی و به شیوه ی چینش و ترکیب واژگان در جملات و یا به سخن دیگر ، به نحوه ی تالیف کلمات تلفیق الفاظ ارتباط دارد. با کمی دقت در مورد علل تمایز زبان بین ژانر های ادبی ، معلوم می شود که: "همه اختلافات به نوعی به کاربرد لفظ ، کلمه یا نشانه منتهی می شود . نقش کلمه و چگونگی کاربرد آن در زبان ، تعیین کننده ترین عنصر در تشخیص نوع زبان محسوب می شود ." (پارساپور، ۱۳۸۳ ص ۲۲)

یکی از ویژگیهای آثار حماسی ، حضور عناصر رزمی در یک اثر حماسی است و علاوه بر آن ، هر چیزی که مستقیماً یا غیر مستقیماً به میدان جنگ و نبرد مرتبط شود و حس خشونت را منتقل سازد ؛ می تواند شامل عناصر رزمی باشد. تعدادی از عناصر رزمی عبارتند از: شمشیر ، خنجر ، گرز ، کمان ، تیر ، سپر و ...

باتوجه به توضیحات یاد شده، برای تشخیص گونه‌ی ادبی رمان کلیدر، شواهدی از عبارات رمان را برمی‌گزینیم و سپس ویژگی‌های زبانی و واژگانی آن را برمی‌کاویم. در شواهد زیر از رمان کلیدر عناصر رزمی و آنچه که به میدان رزم و نبرد ارتباط دارد؛ آورده می‌شود که همگی آن‌ها، نشان از حماسه بودن رمان کلیدر از نظر زبانی و واژگانی دارد

"... و زنجیر اردکانی اش را از جیب بیرون کشید، پوزه و سر و روی گوسفندان بی زبان را به باد زنجیر گرفت  
" " ...دعوا در گرفت؛ مرد‌ها بهم در آویختند و چوب دست دلاور به نشانه‌ی شاه‌رگ پیشکار اخلمدی فرود آورده شده بود... (مرد) بر خاک افتاد و دور خود غلتید، دست و بالش به پر پر آمدند و دمی بعد، سر گذاشت و مُرد  
" (صص ۱۹-۲۰ رمان کلیدر)

دولت آبادی علاوه بر صحنه‌های رزمی رمان با عناصر و واژگان بزمی و غنایی فضای حماسی خلق می‌کند و این به هنر نویسندگی و شیوه و سبک حماسی نوشته‌اش برمی‌گردد:  
" نگاه، نگاه... دو عقرب کبود، در عمق برکه‌های چشمان... نیشک این عقرب‌ها... میتوانند بگزینند، از جایی برجهانند، به مور مورت افکنند، بتکانند. " (ص ۴۵۱ رمان کلیدر)  
" جرقه‌ی نگاه گل محمد تیرگی را می‌شکافت. شهاب‌های سر برکنده... پرنده‌ای در شب، نه! شمشیری در ماهتاب! " (ص ۹۶ کلیدر)

نویسنده در این جملات با واژه "نگاه" که از واژگان غنایی است فضا و لحن حماسی آفریده است. نیز عناصر رزمی مثل "نیشک این عقرب‌ها، بگزینند، برجهانند، افکنند، تکاندن، جرقه، شمشیر." بر فضای حماسی داستان دلالت دارد و یا در این جمله که "ابروها" را به خنجر مانند کرده است: "زاغ عبدل، مردی با ریش‌های زبر و ابروهای مثل خنجر." (ص ۳۵۴ رمان کلیدر)

حکیم فردوسی در شاهنامه از عناصر و واژگان بزمی، زبان و لحن و فضای حماسی خلق می‌کند: "احساس پیری با عارضه بیماری همراه است. پشتش خم و چشم کم سو می‌شود:

دوتایی شد آن سرو نازان به باغ	همی تیره گشت آن گرمای چراغ
و درد مفاصل (روماتیسم) در اعضایش راه می‌یابد:	
دو دست و دوپای من آهو گرفت	تهی دستی و سال نیرو گرفت

(اسلامی ندوشن، ۱۳۶۳، ص ۵۸)

در بیت آخر، کلمه "نیرو" از واژه‌های کلیدی شعر است و بار معنایی و لفظی حماسه را بر دوش می‌کشد. وقتی سال (عمر) در انسان فزونی می‌گیرد؛ معمولاً قوای انسانی و اعضا و جوارحش سستی می‌پذیرد ولی استاد سخن و حماسه، این سستی را با واژه "نیرو" قوت بخشیده و لحن و فضای بی نظیر حماسه را در یک عنصر غنایی، خلق نموده است.

دولت آبادی در وصف عناصر طبیعی و طلوع و غروب خورشید و ستارگان از عناصر رزمی و زبان حماسی برای بیان بخشی از داستان و حوادث آن بهره میبرد که همگی این موارد دلالت بر حماسی بودن لحن، زبان و فضای داستان دارد:

"خنجرکان درخشان، سوراخ سوراخشان کرده بودند. تن شب، شمع آجین ستارگان." (ص ۱۴۸ کلیدر)  
"خورشید تا بر یال آسمان سوار شود، چهار نیزه‌ای باقی بود." (ص ۴۲ کلیدر)

در عبارت پایانی، واژه‌ی "نیزه‌ای" اگر چه در لغت از عناصر رزمی است و به ابزار رزم و نبرد مربوط می‌شود ولی در معنی، واحد اندازه‌گیری طول است و ربطی به معنای سلاح رزم ندارد. ولی چون زبان رمان کلیدر، حماسی است دولت آبادی از تمام بضاعت زبانی خود استفاده می‌کند و رمان را با زبانی حماسی خلق می‌نماید.

#### تطبیق رمان کلیدر با شاهنامه

دولت آبادی همچون فردوسی، عناصر طبیعی را با زبان حماسی وصف می‌کند دکتر شفیع کدکنی در کتاب صور

خیال آورده است: "در طول حوادث این حماسه (شاهنامه) طلوع‌ها و غروب‌ها و عناصر طبیعت در شعر او به صورت کاملاً حماسی تصویر میشوند: خورشید تابنده، تاج خود را نشان می‌دهد و تیغ از میان بر می‌کشد و شب تیره، بر چرخ لشکر می‌کشد:

چو خورشید تابنده بنمود تاج  
 بگسترده کافور بر تخت عاج  
 (۴/۱۴۴ شاهنامه چاپ مسکو)  
 (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶ صص ۴۴۱-۴۴۲)

### روایت‌های حماسی رمان کلیدر

اگر بخواهیم بررسی تحلیلی از حماسه‌های رمان کلیدر داشته باشیم؛ باید بگوییم که: تمام بخش‌های حماسی رمان، از نظر ساختار، محتوا و درونمایه به یک سبک و سیاق نبوده؛ بلکه برخی از قسمت‌های داستان، فقط ظاهری حماسی دارند به سخن دیگر، زبان و واژگان به کار گرفته شده حماسی بوده و عناصر رزمی در آن به کار گرفته شده؛ ولی از نقطه نظر ساختار داستانی، رویداد یا حادثه خاص حماسی در آن دیده نمیشود. . بالعکس بخش‌هایی از رمان، هم زبان و واژگان حماسی دارد و هم ساختار و رویداد رزمی به همین دلیل، برآنیم که روایت‌های حماسی رمان کلیدر را به دو بخش زیر تقسیم نماییم:

### وصف‌های حماسی رمان کلیدر

نگارنده آن بخش از وصف‌های حماسی رمان کلیدر که ظاهر و زبانی حماسی داشته و رویداد یا حادثه حماسی در آن رخ نداده، توصیفات حماسی نام نهاده است. توصیفات حماسی که داستان را از مسیر اصلی روایت خارج می‌کند و آن را کشدار و طولانی و تا حدودی ریتم داستان را کند می‌نماید که از نظر روایت شناسان، آن را روایت گریز گویند. البته دولت‌آبادی در بخش وصف‌های حماسی رمان با توصیفات خود، شخصیت‌ها و مکان داستان را معرفی می‌نماید و نیز نقش مورخ و معلم اخلاق را بازی می‌کند. گریزی به مسائل تاریخی می‌زند و خوانندگان را به یاد گذشته و تاریخ ایران می‌اندازد و هم در کسوت واعظ پند و اندرز اخلاقی می‌دهد. وصف‌های حماسی در جای‌جای رمان کلیدر دیده می‌شود به عنوان نمونه، می‌توان از قطعات: "باروی کهن شهر سبز وار" (ص ۴۹۱ کلیدر) قطعه‌ی رباط کهن (ص ۷۸۷ کلیدر) قطعه ملاقات گل محمد سردار با جهن خان بلوچ (ص ۲۲۷۰ کلیدر) و قطعه درخشان آغاز رمان (ص ۱۱ و ۱۲ کلیدر) نام برد برای جلوگیری از اطاله کلام و روشن شدن موضوع، به نقد و تحلیل قطعه آغاز کلیدر می‌پردازیم

### آغاز رمان کلیدر

اهل خراسان مردم کرد بسیار دیده‌اند. بسا این دو قوم با یکدیگر در برخورد بوده‌اند. خوشایند و ناخوشایند.... (مارال).... چنان گام از گام برمیداشت که تو پنداری پهلوانی است به سرفرازی از نبرد بازگشته. هم اسب سیاهش قره‌آت چنان گردن گرفته، سینه پیش داده و غراب سم بر سنگفرش خیابان میخواباند، که انگار بر زمین منت می‌گذاشت و به آنچه دورش بود فخر می‌فروخت. (صص ۱۱ و ۱۲ کلیدر).

### نقد زبانی و واژگانی

دولت‌آبادی در این بخش از رمان همچون بخش‌های دیگر از واژگان و زبان حماسی استفاده می‌کند که رنگ و بو و فضای حماسی به داستان می‌دهد واژگانی چون: "در برخورد بودن، سخت، پهلوان، سرفرازی، نبرد، گردن گرفته، سینه پیش داده و..." تعدادی از واژگان اختصاصاً از عناصر رزمی می‌باشند که حس خشونت و حماسه را به



خواننده القا میکنند. کلماتی نظیر: "پهلوانی است، نبرد، قره آت (که مرکب رزم است و همدم و یار قهرمان حماسه)، گردن گرفتن، سینه پیش دادن و درق درق."

### نقد بلاغی

اهل بلاغت گویند: کلمات هماهنگ موسیقایی در تقویت حس حماسی متن، تاثیر فراوانی دارند. این کلمات هماهنگ علاوه بر لذت دیداری، لذت شنوایی هم به خوانندگان القا می کنند. در جملات آغاز رمان این کلمات هماهنگ موسیقایی دیده میشوند: "چشم هایش به پیش رویش دوخته شده و نگاهش به... پیشاپیش پرواز داده..." (موسیقی حروف "پ" و "ش") یا هم اسب سیاهش قره آت چنان گردن گرفته، سینه پیش داده" (موسیقی حروف "س" و "گی")

### نقد محتوایی

\*جمله ی اول رمان، نشان از برخورد و جنگ بین دو قوم خراسان و کردان مهاجر به این منطقه دارد که بر حماسه بودن رمان، دلالت می کند.

\*نویسنده با تشبیهی زیبا، فضایی عالی که رنگ حماسی دارد؛ خلق میکند: "مارال چونان پهلوانی است که با افتخار گام از گام برمیدارد و در کنار قره آت -که رخس رستم را به ذهن تداعی می کند- قرار دارد و رنگ حماسی قصه را پررنگتر میکند. نه تنها مارال پهلوان است و سرفراز بلکه اسبش نیز، از سرمستی فتح و پیروزی گردن گرفته و سینه پیش داده است.

\*رمان با آغازی خوش (سیراعت استهلال) شروع شده است هم زبان حماسی دارد و هم درون مایه پهلوانی و عیاری و نیز وقتی این خوش آغازی بهتر جلوه میکند که خواننده با دنبال کردن قصه، متوجه می شود که سراسر رمان کلیدر حماسه است و جنگ و گریز.

### رویدادهای حماسی رمان کلیدر

اگر بخواهیم با یک نگاه کلی به رویداد های حماسی رمان بنگریم؛ میتوان آن را به انواع زیر تقسیم کرد:

#### ۱) مبارزه یا نزاع شخصی و جمعی روستاییان و کردان منطقه با یکدیگر

اصولا در جامعه روستایی که مشاغل اصلی آنان کشاورزی و دامداری است؛ تضاد و اختلافاتشان مربوط به حدود و ثغور زمین های کشاورزی، آسیب رساندن به محصولات کشاورزی و تجاوز به حریم مراتع دیگران و زیان رساندن به گله های دام آنان است آمار نزاع های شخصی و گروهی در کلیدر قابل توجه است بنابر این، به سبب رعایت اینجاست، فقط به تحلیل یکی از این نزاع های محلی میپردازیم:

#### قطعه نزاع دلاور با پیشکار اخلمدی

این قطعه که خود ساختاریک داستان کوتاه را دارد؛ صحنه مبارزه دلاور با پیشکار حاج عبدالملک اخلمدی است که نهایتا منجر به قتل پیشکار میشود. (صص ۱۹ و ۲۰ کلیدر).

### نقد زبانی

واژگان و زبان به کار گرفته شده در این حادثه داستانی حماسی است واژگانی چون: "دعوا، بهم آویختن، چوبدست، زنجیر اردکانی، شاهرگ، شقیقه، برخاک افتادن پرپر آمدن و مردن" دو واژه زنجیر اردکانی و چوب دست از کلمات و عناصر رزم اند.

## نقد ساختاری

این قطعه یک روایت کامل حماسی است که می توان نام داستان کوتاه را بر آن نهاد. هم دارای مقدمه است راوی با توصیف مقدماتی، هم شخصیت های داستان را معرفی میکند و هم مکان و زمان آن را و علت دعوا و نزاع محلی را با یک مثل زیبا برای خواننده معلوم میسازد. حادثه ابتدای روایت (چرانندن گوسفندان بدون پرداخت آب بها) زمینه بوجود آمدن حوادث بعدی و اوج داستان می شود.

**حوادث دیگر داستان:** زدن گوسفندان با زنجیر به وسیله ی پیشکار اخلمدی، دشنام دادن به کردان، دعوی دلاور با پیشکار با آلت نزاع محلی یعنی چوبدست.

**اوج داستان:** اوج داستان زمانی اتفاق میفتد که پیشکار با ضرب چوبدست دلاور، کشته می شود و با زندانی شدن سه چوپان پایان میپذیرد.

## ۲) مبارزه روستاییان و ایلات با طبیعت و موجودات طبیعی

کشمکش و مبارزه شخصیت های داستان، برای گذران زندگی، و ادامه حیات و تهیه ابتدایی ترین لوازم زندگی با طبیعت و موجودات طبیعی از مصادیق بارز حماسه در رمان کلیدر است.

از همان آغاز رمان خشکسالی و بی رحمی طبیعت با خشم به مارال چهره می نماید و دندان نشان می دهد. پدر و نامزدش به زندان میفتند بزمزگی دار و نذارشان را از آنان میگیرد. مادرش دقدار می شود و میمیرد و مارال، دختر کرد، تنها و تنها می ماند، یکه و تنها در برابر این همه مصائب و مشکلات که اگربرکوه فرودمی آمد؛ آن راز پای درمی آورد. (نقل به مضمون، ص ۲۰ رمان کلیدر)

گل محمد قهرمان داستان نیز در کشاکش و بحبوحه ی زندگی دچار تنگی معیشت و بزمزگی گله ها می شود و با وجود روحیه جوانمردی و مناعت طبع، تنگی معاش و سختی زندگی تنگ او را میکشد و او را وادار به درخواست از این و آن می کند به گونه ای که شرایط زندگی چنان سخت می شود که شخصیت های رمان به نان شبشان محتاج میشود. (نقل به مضمون از رمان کلیدر).

## صحنه ی رکاب گرفتن گل محمد از قره آت (مبارزه گل محمد با قره آت)

روایت درخشان رکاب گرفتن گل محمد از قره آت از بخش های خواندنی و بی نظیر رمان کلیدر دولت آبادی است این صحنه بی مانند و به یاد ماندنی، داستان رام کردن رخس به دست رستم دستان در شاهنامه حکیم فردوسی را در اذهان و خاطر خوانندگان رمان زنده می کند.

## اصل روایت رام کردن قره به دست گل محمد با تلخیص

جدال اول: در ابتدای این مبارزه گل محمد چشم در چشم قره می اندازد... همانند دو کشتی گیر به هم نزدیک می شوند گل محمد هم چنان پیش میخزید و قره هم چنان ایستاده و خیره بود در حمله اول قره به دور خود درپیچید و تن تاب داد و پای پراند و گل محمد تن فرش کرد و در غلتید دست و پای جمع کرد از جای جهید و آماده به خیز ایستاد.

جدال دوم: قره این بار رویاروی حمله برد سم کوب پاهای پیشین اسب راست شد، ماری دم فرونشاند در زمین. سم ها به گونه ی دو سنگ بر کناره گوشها. اینک کوبش. چابک و چیره به خود گل محمد از ضرب رس به در پرید. اما قره آرام نمیگرفت. و قرار بریده بود. و همچنان خشم ناک همچون پاره آتش بی پروا بود و گوش ها تیز کرده بود و به گل محمد حمله ور میشد و گل محمد به تنگنا چنان در افتاده بود که اگر یک چشم برهم زدن دیر میجنید زیر سمهای سخت قره کوبیده میشد.



جدال سوم: اسب نه تنها به سم بلکه به دندان هم می‌جنگید مبادا بازویت به دندان اسب گیر افتد. مرگ بالای سر گل محمد پرپر میزد. زیور و شیرو هم (علاوه بر شیون بلقیس) به فغان درآمده بودند \_جلوی اسب را بگير حرامزاده

این را زیور به مارال می‌گفت جیغ می‌کشید و نفرین میکرد. التماس می‌کرد و دشنام می‌داد. پنداری بر آتش نشاندنش بودند. مارال آرام بود، آرام و کمی مبهوت. شیرو بازوی مارال چسبیده بود و میگريست، بلقیس به سوی خواهرزاده اش، علی اکبر حاج پسند، شتافته بود و از او مدد می‌طلبید.

جدال چهارم: گل محمد در این پیکار طاقت فرسا توانسته بود پنجه در لگام قره گیر بدهد و به یال اسب در آویزد... قره همچنان بی‌قرار شیهه میکشید گردن و سر می‌تکاند مگر بتواند مرد از یال خود وا بکند سخت در خشم سر پس می‌انداخت، سم بر خاک و سنگ می‌کوباند... مرد را در هوا می‌تاباند و از دور اگر می‌نگریستی گل محمد انگار نیم تنه ای بود که در باد می‌چرخید گل محمد اسب را داشت مانده میکرد خواست، همین بود: هدر دادن نیروی حیوان. بگذار چندان سم بر زمین بکوبد که خاک فغان کند.

جدال آخر و اوج داستان: اینک سوار بر قره بود، قره به آسمان بر می‌جهید و سم میکوفت اما گل محمد بر پشت اسب نشسته که گویی چسبیده بود گل محمد اسب را تازاند و بعد از مدتی به گندمزار برگشت از تن مرد و قره شط عرق به راه افتاده بود گل محمد لگام کشید و رو در روی مادر و مارال ایستاد. خسته، اما چیره بود.

### نقد و تحلیل روایت

\*این قطعه ی حماسی، ساختاری کامل دارد و در حکم یک داستان کوتاه است با تمام ویژگی‌ها و عناصر داستانی ( حداقل دارای پنج رویداد و حادثه حماسی که این رویدادها ارتباط منطقی دارند و داستان را به پیش می‌برند تا به نقطه ی اوج برسند ) سراسر قصه حماسه و مبارزه و حمله و دفاع از هر دو سوی شخصیت داستانی است راوی داستان چنان صحنه حماسی را زنده و تاثیرگذار وصف می‌کند که شیون و فغان تعدادی از شخصیت های قصه را موجب می‌شود: برخی از آنان گاهی جیغ می‌کشند وزمانی نفرین می‌کنند و دشنام می‌دهند و وقتی دیگر، التماس می‌کنند و کمک می‌طلبند و بعضی از آنان گریه می‌کنند و بدون این که سخنی بر زبان بیاورند با رفتار خود طلب کمک می‌کنند مثل " شیرو بازون مارال را چسبیده بود و میگريست ."

\*دولت آبادی در این شاهکار هنری اش \_که بدون هیچ گزافه ای دست مریزادها دارد \_ در قالب گفت و گوهای زنده و توصیفات درخشان، داستایوفسکی وار به درون شخصیت های قصه رفته و حالات و احساسات و روحیات آنان را با قلمی شیوا به تصویر می‌کشد: علی اکبر حاج پسند به این مبارزه و پیروزی گل محمد خوشبین است. شیرو که جوان است و سرخوش، شروع مبارزه را دوست دارد. زیور التفاتی به این مبارزه نمی‌کند چرا که خوش ندارد گل محمد در این مبارزه پیروز شود؛ اگرچه شکست او را نمی‌تواند ببیند. بلقیس دو دل و مضطرب این مبارزه است و سرانجام مارال، که هم قلبش برای قره می‌تپد و هم دلش پیش گل محمد است آرام و کمی مبهوت به صحنه می‌نگرد.

### فهرست حماسه ها و مبارزات گل محمد

بر اساس روایات موجود رمان، عناوین مبارزات و جنگ و گریزهای گل محمد و یارانش در برابر جور و ستم به شرح زیر میباشد:

\*هجوم و یورش پنج سوار کلمیشی به قلعه ی چارگوشلی به قصد ربودن صوقی، معشوق مدیار، و کشته شدن حاج حسین چارگوشلی و مدیار عاشق در این پیکار.

\*جدال با دو مامور دولتی و کشته شدن آن دو، به دست گل محمد با کمک خان عمو و بلقیس.

\*کشته شدن علی اکبر حاج پسند به دست گل محمد پس از فرار از زندان با همدستی ستار.

بعد از حوادث یاد شده، کار و بار گل محمد و هم پیمانانش بالا می‌گیرد و تا آنجا پیش می‌رود که حق دهقانان و کشاورزان را از اربابان ستم پیشه می‌ستاند و در چند منطقه، حکومت محلی تشکیل می‌دهد و مبارزات خود را با عوامل جور و ستم و سرکوبگر (فتودالها، خوانین، نمایندگان حکومت همچون ژاندارم و افسر) آغاز می‌نماید. سراسر این دوره از حیات سیاسی و اجتماعی قهرمان داستان، پر از حماسه و پیکار و جنگ و گریز است؛ مبارزه ای آگاهانه و در عین حال جوانمردانه.

### پایان و اوج تراژیک رمان کلیدر

و سرانجام داستان مبارزه و پیکار گل محمد به پایان می‌رسد و پس از کشمکش‌ها و زد و خورد‌ها خونین و جنگ و گریز‌ها و تعقیب‌ها اوج حماسه و مبارزات او و همدستانش با اوج داستان گره می‌خورد او و هم پیمانانش در جبهه ی حق، خیر، پاکی و جوانمردی قرار دارند و دشمنانش که سر سپردگان و عوامل سرکوب‌گر دولتی و انسان‌های متملق و چاپلوسند در برابر او در جبهه ی باطل، شر، پلیدی و پلشتی قرار دارند. دشمنانش با اتحادی نامیمون، او و یارانش را در منطقه ای کوهستانی به نام "کوه سرخ" به دام می‌اندازند و در یک مبارزه یک طرفه و نا عادلانه او و همدستانش را به شهادت می‌رسانند و در حقیقت درخت آزادی و جوانمردی با ریختن خون آنان سیراب می‌شود و حماسه و دلآوری آنان، برای همیشه در کنار آزاد مردانی چون امام حسین (ع)، آزادی خواهان مشروطیت و مبارزان نهضت ملی نفت ایران در تاریخ این مرز و بوم کهن به ثبت می‌رسد.

### شباهت تراژدی قیام ملی گل محمد با قیام امام حسین (ع)

یکی از منتقدان رمان کلیدر در مقاله ی تراژدی عاشورایی و آفاق معنوی کلیدر، شباهت مبارزه ی گل محمد با ستمگران را از جنبه های مختلف با قیام امام حسین (ع) در کربلا شبیه میداند: "تراژدی کلیدر، با تراژدی عاشورا هم در اجزا و عناصر ساخت داستان و هم در سلسله وقایع و رویداد های منجر به درگیری نهایی شباهت دارد و این شباهت هر چه به پایان حادثه نزدیک می‌شویم بیشتر می‌شود.

شباهت رفتارها، انسجام خانواده و یاران و عزم جزم همه، شب، محاصره، انتخاب بودن یا نبودن، رخصت دادن به یاران، حق الناس را ادا کردن، سرهای بریده، زنان باقیمانده و یاران که در برابر یزیدیان سرهای خود را به سرفرازی بالا می‌گیرند و هیچ عجز و لابه ای در حتی مویه ای - به هنگام حضور دشمن - بر کشتگان خود روا نمیدارند و ... " (شیرمحمدی ۱۳۸۰ ص ۴۰۷).

### ابیات محلی درباره گل محمد (مبارزه و کشته شدنش)

نگارنده در این نوشتار و در بخش و تنه اصلی مقاله با آوردن شواهدی از رمان ویژگی های حماسی آن را برشمرده و صحنه ها و رویداد های رزمی رمان کلیدر را که زبان و ساختار حماسی داشته به صورت مصداقی و کاربردی تحلیل نموده و حماسی بودن این اثر داستانی را به اثبات رسانیده است.

علاوه بر نشانه های حماسی موجود در رمان - که به شرح باز گفته شد- در ابیات محلی به جا مانده در باره ی قیام گل محمد و کشته شدنش نیز نشانه های عناصر رزمی و حماسی مشاهده می‌شود. این ابیات نیز هم از نظر واژگانی و زبانی دلالت بر حماسی بودن دارد و هم از منظر محتوایی و معنایی. برای روشن شدن موضوع و تجسم عینی نشانه های حماسی اشعار یاد شده ابیاتی به عنوان شاهد مثال آورده می‌شود. (۲)

چهاربیتی های محلی درباره گل محمد (از زبان مادرش)

صدبار گفتم همچی مکن ننه گل ممد

زلفای سیار قیچی مکن ننه گل ممد

صدبار گفتم پلاو مخور ننه گل ممد

وردور کوها تاو مخور ننه گل ممد  
وصف شما در ایرونس ننه گل ممد  
عکس شما در تهرونس ننه گل ممد  
کو جرق جرق شمشیرت ننه گل ممد  
کو درق درق هفت تیرت ننه گل ممد  
اسب سیات دجولونس(در جولان است) ننه گل محمد  
ای جولونا (این جولان ها) همیشه نیست ننه گل محمد  
فشنگ د بند قطار،قطار ننه گل محمد  
وخ بار(ورخیز برو) به جنگ سبزه وار ننه گل محمد  
الای بمیره قاتلت ننه گل محمد  
خنک رو و دل و مارت ننه گل محمد

### نتیجه گیری

با توجه به پرسش های پژوهش و پاسخ های داده شده به آن معلوم شد که : اگر چه رمان کلیدر دولت آبادی رمانی است تاریخی و واقعی که دارای واقعیت اجتماعی و سرنوشت تاریخی اند اما با عنایت به دیدگاههای تعداد قابل توجهی از منتقدان کلیدر و دیدگاه نویسنده ی رمان و نیز زبان و واژگان حماسی و عناصر رزمی و ساختار روایی و حوادث داستانی ، می توان کلیدر را در زمره یک اثر حماسی معاصر قرار داد.

نیز معلوم گردید که جدال ها و ستیزه ها از جای جای رمان کلیدر و در سطوح و لایه های مختلف آن نمود عینی دارد. ستیز های کلیدر را در سه لایه زیر برکاویدیم و از هر نوع آن ، یک شاهد از رمان انتخاب کردیم و به نقد و تحلیل آن پرداختیم .

\*ستیز آدم های قصه با هم

\*جدال انسان های داستان با طبیعت

\*و در نهایت ستیز و مبارزه گل محمد و هم دستانش با عوامل ستمگر.

نگارنده شواهد متعددی از صحنه های رزمی رمان کلیدر را که زبان و ساختار حماسی داشته به صورت مصداقی و کاربردی تحلیل نموده و رزمی بودن این اثر داستانی را به اثبات رسانده است نیز با آوردن نمونه هایی از رمان ثابت کرده است که دولت آبادی حتی از عناصر و واژگان بزمی و غنایی لحن و فضای حماسی آفریده است .

نویسنده در بخش هایی از نوشتار ، زبان و ساختار رمان کلیدر را با زبان حماسی شاهنامه فردوسی ، در وصف ها عناصر طبیعی و طلوع و غروب خورشید و ستارگان و استخدام از عناصر و واژگان بزمی و غنایی در خلق لحن و فضای حماسی با هم مقایسه کرده و مشخص گردید که زبان هر دو اثر حماسی است و رزمی.

### پی نوشت

۱. یکی از بازماندگان خانواده کلمیشی که هم اکنون در سوزن ده زندگی می کند فرزند خان محمد به نام محمد کلمیشی گلزاده است نگارنده در خرداد ماه سال ۸۱ شمسی با وی دیداری داشته ام وی متولد سال ۱۳۳۶ است و هم اکنون (یعنی سال ۸۱) چهل و پنج سال دارد . طبق گفته اش شش ماهه بوده است که پدرش خان محمد دار فانی را وداع گفته و هم او گفت که پدرش پس از کشته شدن گل محمد و یارانش ، جلای وطن اختیار کرد و به کربلای معلی مشرف شد و پس از چند سالی به منطقه برگشت و همانگونه که گل محمد و خان عمو ب او گفته بودند تقاص خون آنان را از اربابان گرفت و پس از بازگشت از کربلا یکی از خانان منطقه را در سر مزرعه با آتش سوزاند همچنین او گفت که قربان بلوچ یکی از شخصیت های رمان کلیدر تا پارسال زنده بود و در زمان حیات چندین بار به سوزن ده آمده بود هم اکنون فرزندان قربان بلوچ در روستای رباطی سکونت دارند.

۲. مردم منطقه این چهار بیتی ها را (که از زبان مادر گل محمد گفته می شد چه روزها و چه شب ها که در عروسی ها و در محافل شبانه یا در موقع درو کردن گندم یا هنگامی که زن ها پینه میرشتند می خواندند (۲۰ سال با کلیدر، ۱۳۸۰، ص ۳۸۱)

## منابع و مآخذ

### کتابها

۱. اسلامی ندوشن، محمد علی، ۱۳۶۳، زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه، چاپ چهارم، تهران، انتشارات یزدان
۲. پارساپور، زهرا، (۱۳۸۳)، مقایسه زبان حماسی و غنایی با تکیه بر خسرو و شیرین و اسکندرنامه نظامی، چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول
۳. دستغیب، عبدالعلی، (۱۳۷۸)، نقد آثار محمود دولت آبادی، تهران، نشر ایما
۴. دولت آبادی، محمود، (۱۳۶۸)، کلیدر، ده جلد، چاپ پنجم، تهران، نشر پارسی
۵. زرین کوب، عبدالحسین، (۲۵۳۶)، شعر بی دروغ شعر بی نقاب، چاپ سوم، تهران، انتشارات جاویدان
۶. سپانلو، محمد علی، (۱۳۶۶) نویسندگان پیشرو ایران، تهران، نگاه
۷. شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۶۶) صور خیال در شعر فارسی، چاپ سوم، تهران، انتشارات آگاه
۸. شیرمحمدی، عباس، گردآورنده، (۱۳۸۰)، بیست سال با کلیدر، چاپ اول، تهران، نشر کوچک
۹. کریمی گنجه، ابن علی، (۱۳۸۱)، نقد و تحلیل رمان کلیدر دولت آبادی، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی: فرزاد، عبدالحسین، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران
۱۰. کزازی، میرجلال الدین، (۱۳۷۰)، مازهای راز (جستارهایی در شاهنامه)، چاپ اول، تهران، نشر مرکز

### مقالات

۱. شیری، قهرمان، (۱۳۸۸)، نقد حماسه و تراژدی براساس کلیدر، فصلنامه علمی و پژوهش کاوش نامه، سال دهم، شماره ۱۸
۲. قانون پرور، محمدرضا، (۱۳۶۷)، عروج یک یاغی، ایران نامه، سال هفتم، شماره دو
۳. نوحی، سید حمید، ۱۳۷۹، تراژدی عاشورایی و آفاق معنوی کلیدر، پیام هاجر، شماره ۳۱۱
۴. یآوری، حورا، (۱۳۶۷)، کلیدر: تحول تدریجی از رمان به حماسه، فصل نامه امید، دفتر سوم